

بررسی وضعیت کار کودکان در حقوق ایران، از منظر ماده چهار اعلامیه جهانی حقوق بشر

سمانه رحمتی فر*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۱

چکیده

کار کودکان، به منزله بهره‌کشی از ظرفیت بالقوه نسل آینده برای نسل حاضر است و فرصت توسعه فردی را از کودک می‌رباید. نظام‌های حقوقی در خصوص این مقوله راه‌کارهای گوناگونی در پیش می‌گیرند؛ از این بین نظام حقوقی ایران راه‌کار ممنوعیت مطلق کار کودکان را انتخاب کرده است که به نظر می‌رسد با واقعیت فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه سازگاری ندارد. راه‌کار جایگزین می‌تواند محدودیت همه انواع کار و ممنوعیت مسئولانه آن دسته از کارهایی باشد که کودکان را در وضعیت بردگی قرار می‌دهد. منظور از بردگی، قرار گرفتن در یکی از این حالات است: اعمال حقوق مالکانه بر انسان، انجام بدترین اشکال کار و نداشتن وقت خصوصی. دولت می‌تواند از طریق نظارت کنشگر، پاسخگو کردن بخش خصوصی در برابر کار کودکان، بازنگری در جایگاه حقوقی کودک، استثنا قائل نشدن برای حوزه شمول قانون کار و تمایز گذاشتن میان انواع کار از حیث حداقل سن ورود و شرایط حاکم بر هر شغل، مانع از قرار گرفتن کودک در یکی از این وضعیت‌ها به واسطه مناسبات کار شود.

کلیدواژه‌گان:

اعمال حقوق مالکانه، بردگی، حداقل سن، کودکان کار، وقت خصوصی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

مقدمه

اصطلاح کودکان کار یک تابلو است. تابلوی نازیبایی که در هر جای دنیا تصویری متفاوت بر آن نقش بسته است. در تایلند یادآور کودکانی است که در صنعت سکس مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ در امریکای جنوبی در مزارع قهوه مشغول به کار هستند؛ در چین در معادن مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند و در سوریه سلاح به دست دارند. در ایران نماد کودکان کار، چهره‌های مظلومی هستند که در راه‌بندان‌ها و مکان‌های پرآلوده اسفند دود می‌کنند، گل می‌فروشند، فال می‌گیرند و ... پوشیده نیست که این تابلوی نازیبا روی نازیباتری دارد که در آن کودکانی در کارگاه‌های شیشه‌گری و آجرپزی و دیگر مشاغل زیان‌بار، کودکی خود را می‌فروشند.

ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره بردگی است: «هیچ کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است». ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با ادبیاتی مشابه بردگی را ممنوع کرده است. با وجود توسعه جوامع انسانی، برده‌داری به معنای سنتی کماکان وجود دارد و فقط شاید قدری تغییر روش داده باشد. سازمان بین‌المللی کار تعداد کودکانی را که در سراسر دنیا در وضعیت بردگی یا شبیه آن به سر می‌برند، پنج و نیم میلیون نفر تخمین می‌زند؛^۱ قطعاً سهم کودکان ایرانی از این آمار عدد صفر نیست. ولی بردگی چیست و در خصوص کودکان چه مؤلفه‌هایی دارد؟ در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها برای مبارزه با کار کودکان برنامه درازمدت دارند. مثلاً دولت هند از ۱۹۸۷ با نام پروژه ملی کار کودک^۲ این برنامه را آغاز کرده است.^۳ چرا دولت ایران برنامه درازمدت ندارد؟ آیا پاسخ در زیرساخت‌های نظام حقوقی نیست؟ آیا سلطه والدین بر کودک در نظام حقوق خانواده، راه را بر مبارزه همه‌جانبه دولت نمی‌بندد؟ لازم به اشاره است که در این پژوهش منظور از کودکان کار، افراد زیر هجده سالی است که در قلمرو کشور ایران کار می‌کنند.

1. ILO, ILO Global Estimate of Forced Labour, Results and methodology (FactSheet), Geneva: International Labour Office, 2012, p. 14.
 2. National Child Labour Project.
 3. Barman, Jiten, Roy, Chandan, "Child Labour & Inclusive Education in Backward Districts of India", *International Journal of Education*, 2012, Vol. 4, No. 4, p. 315.

هدف این پژوهش بررسی وضعیت حقوقی حاکم بر کودکان کار در ایران از حیث بردگی است و اهداف فرعی آن عبارت‌اند از: شناسایی مؤلفه‌های بردگی؛ بررسی مؤلفه‌های بردگی در نظام حقوق خانواده و نظام حقوق کار. پرسش‌های پژوهش پیش‌رو به این ترتیب است: وضعیت حقوقی کودکان کار در ایران چگونه است؟ چه عواملی در حقوق خانواده به کار برده‌وار کودکان می‌انجامد؟ چه عواملی در حقوق کار به کار برده‌وار کودکان می‌انجامد؟ فرضیه این است که به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران توجه کافی به مقوله بردگی کودکان ندارد؛ سلطه والدین بر کودک در نظام حقوق خانواده و قائل شدن نقش حقوقی کم‌ارزش برای کودک، زمینه بردگی کودک را فراهم می‌کند؛ در نظام حقوق کار سازوکارهای حقوقی لازم برای مبارزه با بردگی کودکان پیش‌بینی نشده است.

روش پژوهش در این مقاله از نوع استنتاج است؛ به این ترتیب که بردگی مؤلفه‌هایی دارد و این مؤلفه‌ها درباره بخشی از کودکان کار مصداق دارد؛ پس آن بخش از کودکان کار در وضعیت بردگی به سر می‌برند. در این پژوهش ابتدا مطالعات مربوط به کودکان کار مرور می‌شود. از آنجا که در میان مجلات حقوقی درباره این موضوع ندرتاً کار شده، سابقه پژوهش بیشتر بر مطالعات جامعه‌شناختی و پژوهش‌های میدانی متمرکز است، سپس مؤلفه‌های بردگی شناسایی می‌شود و در ادامه مؤلفه‌ها با نظام حقوق خانواده و حقوق کار تطبیق داده می‌شوند.

۱. پیشینه پژوهش یا وضعیت اجتماعی کودکان کار

روزنامه اعتماد در ۱۳۹۲ گزارشی از زندگی کودکان کار در محدوده دروازه غار چاپ کرد. در این منطقه برخی زنان کودکان خود را از صد هزار تا پنج میلیون تومان می‌فروشند؛ کودکانی که اساساً به دنیا آورده شده‌اند تا فروخته شوند و به چرخه کار بیوندند. در برخی خانه‌ها تا حدود پنجاه کودک نگهداری می‌شوند که به صورت روزانه برای کار اجاره می‌شوند و شب به همان

۱. سرایبان، سهیل، بازار بچه فروشان، خرید و فروش کودکان کار از صد هزار تا پنج میلیون تومان، روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹، شماره ۲۹۰۱، ص ۱۳.

خانه برگردانده می‌شوند. در گزارشی مشابه در روزنامه ایران نیز به خرید و فروش کودکان به قصد تکدی‌گری پرداخته شده است.^۱

روزنامه شرق در ۱۳۹۳ چنین گزارش داد: «میانگین سن ورود به خیابان سه تا ده سال است و کودکان ده‌ساله بیشترین تعداد کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند. بیشتر کودکان خیابانی به کارهای متعارف، به‌ویژه دست‌فروشی، باربری و پادویی و نوازندگی، یا نیمه‌متعارف زباله‌گردی و جمع‌آوری ضایعات نان و تکدی‌گری مشغول‌اند و تعدادی به مشاغل غیرمتعارف شامل تن‌فروشی، خرید و فروش مواد و جیب‌بری می‌پردازند... بیشتر کودکان تمام یا بخشی از درآمد خود را به خانواده می‌دهند».^۲ مقامات رسمی در ایران اعلام کرده‌اند که پژوهشی روی چهارصد نفر از کودکان کار در خیابان نشان می‌دهد که نود درصد این کودکان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و دولت باید هرچه سریع‌تر برای نجات آنان اقدام کند.^۳

وامقی و همکارانش در پژوهشی در تهران در ۱۳۹۲ در ۷۵/۳ درصد مواقع کمک به معاش خانواده را علت کار کودکان برآورد کرده‌اند.^۴ از دیگر علل کار کودکان فرار از خانه و نیز نامناسب بودن خانه و تلاش برای هر چه دیرتر برگشتن است.^۵

آمار رسمی آموزش و پرورش خراسان شمالی نشان می‌دهد که دلیل حدود بیست درصد موارد گزارش‌شده ترک تحصیل دانش‌آموزان کار است.^۶ نتیجه پژوهشی در اصفهان نشان می‌دهد فقط ۴۱/۸ درصد کودکان کار هم‌زمان تحصیل می‌کنند و ۶۹/۶ درصد سواد در حد ابتدایی دارند.^۱

۱. جمال‌پور، فاطمه، وقایع‌نگاری خرید و فروش یک نوزاد در پایتخت، کمتر از پنج دقیقه معامله شد، روزنامه ایران، ۹۴/۹/۸، شماره ۶۰۹۰، ص ۱۶.

۲. جمال‌پور، فاطمه، ۱۷ درصد کودکان خیابانی الکل مصرف می‌کنند، روزنامه شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۱۴، شماره ۲۲۰۲، ص ۱۷.

۳. جودکی، مهتاب، ثابت می‌کنیم که به ۹۰ درصد کودکان کار تجاوز می‌شود، روزنامه شهروند، ۱۳۹۶/۸/۱۴، شماره ۱۲۶۵، ص ۱۶.

۴. وامقی، مروّنه و همکاران، ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران ۱۳۹۲ (علل و خطرات کار کودکان در خیابان)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۴، شماره ۱.

۵. همان، ص ۴۳.

۶. همان، ص ۴۴.

۷. بدخشانی، عصمت، کودکان کار، پشت چراغ قرمز زندگی، روزنامه اتفاقیه، ۱۳۹۶/۱۱/۲۴، شماره ۱۸۶۰.

تولایی و همکارانش میان کار کودک و متغیرهایی مانند تحصیلات والدین، میزان افرادی که کمتر از روزی یک دلار درآمد دارند، سن امید به زندگی، تعداد افرادی که به آب آشامیدنی دسترسی دارند، رابطه منفی یافته‌اند. این نشان می‌دهد تا زمانی که جامعه به توسعه و رفاه نرسیده است، معضل کار کودک ادامه خواهد داشت.^۲ این یافته‌ها این فرض را که کار کودکان به توسعه کشور می‌انجامد و کودکان در کشور توسعه یافته دیگر کار نمی‌کنند، رد می‌کند. کودکان کار امروز والدین فردا هستند که چون فرصت مدرسه رفتن را از دست داده‌اند، در آینده والدین کم‌سودی می‌شوند که طبق یافته تحقیق، کودک خود را وادار به کار می‌کنند و این چرخ باطل بدون مداخله بیرونی، مدام می‌چرخد.

مداخلات بیرونی به دو طریق می‌تواند عمل کند: یا علت را از میان بردارد یا وضعیت معلول را تغییر دهد. منشأ ایجاد پدیده کار کودکان کار خیابان به ترتیب اهمیت عامل چنین است: فقر، بدکارکردی خانواده، فرایند مدرن شدن (تغییر ساختار و مناسبات خانواده و مهاجرت از روستا به شهر) و ناکارآمدی قواعد حقوقی.^۳ درباره جهانی شدن اختلاف نظر وجود دارد. نتایج پژوهشی^۴ حکایت از این دارد که جهانی شدن به شیوع کار کودکان انجامیده است و پژوهش دیگری^۵ نشان می‌دهد که بر آن تأثیری نگذاشته است و پژوهش سوم مدعی کاهش کار کودکان در اثر جهانی شدن و جابه‌جایی کارگران است.^۶ در پژوهش حاضر از میان علل پیش گفته، فقط ناکارآمدی و ضعف‌های نظام حقوقی بررسی می‌شود.

۱. افشانی، علی‌رضا و همکاران، *تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان*، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۱، شماره ۴۸، ص ۹۴.

۲. تولایی، حسین و همکاران، *رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی*، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸، شماره ۳۵، صص ۳۳۲-۳۳۴.

۳. افشانی، پیشین، ص ۹۱.

4. Chintha, Sam sundar, George, Babu, "Globalization, Mobility, Identity, and Consumerism: an Analysis of the Genesis of Unsustainable Consumption", *Palermo Business Review*, 2012, issue 6, p. 51.

5. Cigno, Alessandro and other, "Does Globalisation Increase Child Labour?" *IZA Discussion*, 2002, No. 470, p. 16, 17.

6. Paoli, Anna and Mendola, Mariapia, "International Migration and Child labour in Developing Countries", *IZA DP* 2014, No. 8066, p. 25, 26.

۱. شناسایی مؤلفه‌های بردگی دربارهٔ کودکان کار

بردگی از مناسبات دیرپا در روابط انسانی وجود داشته و برای پی بردن به منظور آن مطالعه تاریخی لازم است. با وجود اینکه دنیای جدید مدعی ملغی کردن بردگی است، چند سند حقوقی در قرن بیستم در این زمینه وجود دارد که خود حاکی از تداوم رابطهٔ بردگی است. بنابراین، مؤلفه‌های بردگی را می‌توان به طور هم‌زمان از خلال بررسی اسناد جدید و مناسبات عینی مردم در دنیای قدیم استخراج کرد.

۱.۱ مفهوم حقوقی بردگی

کنوانسیون بردگی^۱ مصوب جامعهٔ ملل در ۱۹۲۶، اولین سند حقوقی در راستای مبارزه با برده‌داری است. در مادهٔ ۱ آن، بردگی چنین تعریف شده است: «وضعیت یا شرایط شخصی است که بعضی یا همهٔ حقوق مالکانه بر او اعمال می‌شود». از جمله مهم‌ترین مصادیق حقوق مالکانه، خرید و فروش و اجاره است. کنوانسیون تکمیلی دربارهٔ الغای برده‌داری و تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه بردگی^۲ مصوب ۱۹۵۶ تعریف بردگی را گسترش می‌دهد و در واقع مناسباتی را به عنوان «در حکم بردگی» زیر حمایت می‌گیرد. دو بند از این ماده به کار کودکان ارتباط دارد: الف) کار اجباری در برابر دین: وضعیت شخص مدیون یا افراد تحت سلطهٔ او است؛ به نحوی که در برابر دین کار اجباری می‌کنند، ولی عواید حاصل از کار به مستهلک شدن تدریجی دین نمی‌انجامد یا مدت کار کردن محدود یا نوع آن مشخص نمی‌باشد؛

ب) ...

ج) ...

هر نهاد یا عملی که به موجب آن کودک یا جوان زیر هیجده سال از سوی یکی از والدین طبیعی یا هر دوی ایشان یا سرپرست^۳ در ازای اخذ وجه یا رایگان به منظور بهره‌کشی از کودک یا جوان یا استفاده از کار او به شخص دیگری تسلیم شود.

1. Slavery Convention, Adopted by League of Nations, Geneva, 1926.

2. Supplementary Convention on the Abolition of Slavery, the Slave Trade, and Institutions and Practices Similar to Slavery, Adopted by a Conference of Plenipotentiaries convened by Economic and Social Council resolution, 1956.

3. Guardian.

پس مؤلفه اصلی بردگی، خرید و فروش کودکان به عنوان نیروی بالفعل یا بالقوه کار است. از ظاهر این ماده و بند «د» آن برمی آید، این است که اگر کودک توسط والدین و سرپرستان رأساً و بدون واسطه دیگری به کار گمارده شود، مصداق بردگی نیست؛ درحالی که به نظر می رسد از حیث احوال و مصلحت کودک هیچ تفاوتی میان این دو وضعیت وجود ندارد. همچنین، اثبات این که کارفرما یکی از والدین کودک است یا واسطه، این موضوع را بسیار پیچیده می کند. در متن کنوانسیون از اصطلاح والدین طبیعی استفاده شده است؛ یعنی وضعیت حقوقی کودکی که والدین طبیعی از کار او بهره مند می شوند، متفاوت است از کودکی که والدین قانونی یا ظاهری او را به کار بگمارند. پیچیدگی در جایی بیشتر می شود که کودک فاقد شناسنامه باشد. برای حل این مسئله می توان از بند نخست این ماده وحدت ملاک گرفت. به موجب این بند، کار اجباری در برابر «دین مستهلک نشدنی» از مصادیق بردگی است. اگر فرض شود که والدین و سرپرستان کودکان را مابه ازای نگهداری و حضانت از آنان به کار می گمارند، یعنی نگهداری از کودک به مثابه دینی بر ذمه او است که در ازای آن باید کار کند و بخشی از بار مالی خانواده را به دوش بگیرد، در این صورت این دین حداقل تا پایان دوران کودکی (هجده سالگی) مستهلک نمی شود؛ پس به کارگماری بی واسطه توسط والدین مشمول بند «د» نیست، ولی مشمول بند «الف» می شود. سند دیگر درباره بردگی، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی^۱ است. در بخشی از ماده ۷، بردگی به طور کلی اعمال حقوق مالکانه بر فرد انسانی، مشخصاً اعمال چنین حقی در جریان قاچاق انسان، به ویژه قاچاق زنان و کودکان، تعریف شده است. این سند بردگی و به طور مشخص بردگی جنسی را در زمره مصادیق جنایت علیه بشریت قرار می دهد.

از آنجا که با وجود کنوانسیون های الزام آور، نهاد اجرایی مشخصی برای بررسی پیشرفت های ناشی از آنها وجود نداشت، در سال ۱۹۷۵ کمیسیون فرعی مقابله با تبعیض و حمایت از اقلیت ها،^۲ کارگروه اشکال جدید بردگی^۳ را تأسیس کرد که در سال ۲۰۰۷ با مصوبه شورای

1. Rome Statute of the International Criminal Court, Adopted by the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court on 17 July 1998.

2. Commission on the Prevention of Discrimination and the Protection of Minorities.

3. Working Group on Contemporary Forms of Slavery.

حقوق بشر^۱ منحل و گزارشگر ویژه اشکال جدید بردگی، علل و نتایج آن،^۲ جانشینش شد. بر مبنای یافته‌های ملل متحد، از جمله در قالب پژوهش‌های آن کارگروه، در دنیای کنونی اشکال سخت‌کار کودکان از مصادیق بردگی است.^۳

۱.۲ مفهوم تاریخی بردگی

در ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دو واژه به کار رفته است که در زبان و فرهنگ فارسی تفاوتی ندارند و بر مبنای ترجمه رسمی مجلس ایران چنین معادل‌سازی شده‌اند: غلامی (بندگی)^۴ و بردگی.^۵ آن‌گونه که لوییس مونتفورد، مبلغ مسیحی قرن هفدهم، می‌گوید، در کتاب عهد قدیم و جدید برده و غلام یکی نیستند؛ غلام برخلاف برده، حوزه خصوصی و تبعاً وقت خصوصی دارد.^۶ در دنیای باستان، مشخصاً یونان باستان، بردگی فقدان ویژگی‌های اصلی انسان آزاد بود: منزلت اجتماعی، مصونیت شخصی، آزادی فعالیت اقتصادی و حق جابه‌جایی به صورت نامحدود.^۷ نداشتن حق جابه‌جایی ناشی از عدم تمکن مالی یا عدم دسترسی به وسایل آمد و شد نبود، چون بردگان می‌توانستند صاحب ثروت شوند،^۸ بلکه به این دلیل بود که بردگان موظف بودند تمام وقت خود را در اختیار ارباب قرار دهند؛^۹ در نتیجه وقت خصوصی برای جابه‌جایی بدون دستور ارباب نداشتند.^{۱۰} معیار زمان در دنیای جدید هم مورد توجه قرار دارد، مثلاً در

1. Human Rights Council Resolution 6/14. Special Rapporteur on contemporary forms of slavery, 21st meeting 28 September 2007.
2. Special Rapporteur on contemporary forms of slavery, including its causes and consequences.
3. Cox, Caroline, *This Immoral Trade: Slavery in the 21st Century*; Oxford: monarchs book, Updated and extended edition, 1st ed. 2006, p. 140.
4. Servitud .
5. Slavery.
6. Montfort, Louise, *Secret of Mary, Charlotte: Tan Book*, 1994, No. 33.
7. Westermann, William Linn, "Between Slavery and Freedom, *American Historical Review*", 1945, Vol. L, no. 2, p. 216.
8. Arendt, Hannah, *the Human Condition*, Chicago: University of Chicago Press, 2nd ed. 1998, P. 62.
9. Westermann, Op. cit, p. 222.
10. Crew, Spencer R. and , Bunch, Lonnie and Price, Clement_ (Editors), *Slave Culture: A Documentary Collection of the Slave Narratives from the Federal Writers' Project*, Vol. III, California: Greenwood, 1st ed. 2014, p. 285.

توصیه‌نامه ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک^۱ ساعات طولانی کار یا کار در خلال شب یا در جایی که کودک به نحو غیرمتعارفی محدود به کارگاه کارفرما شود، به عنوان بدترین اشکال ممنوع شده است.

چند ساعت کار کودک در روز یا هفته به آن وصف بردگی می‌دهد؟ در این زمینه سازمان بین‌المللی کار، معیاری غیرعددی ارائه می‌دهد: زمان کار کودک نباید به حدی باشد که به سلامت، پیشرفت و تحصیل کودک در مدرسه خلل وارد کند.^۲ این نهاد به کارگرفته شدن کودک بیش از این میزان را بردگی می‌نامد.^۳ پژوهشی روی کودکان مصری، بیش از ده ساعت کار در هفته برای دختران و بیش از چهارده ساعت برای پسران را مانع فعالیت‌های غیرکاری تخمین زده است.^۴

در عالم واقع، وقتِ خصوصی بعضی از کودکان کار به مراتب کمتر از این است. نتایج پژوهشی در ایالات بنگال غربی در هند نشان می‌دهد که بیست و یک درصد کودکان کار هیچ وقتی برای خودشان ندارند؛ چهل و سه درصد کودکان بیش از دو ساعت زمان فراغت ندارند که آن هم صرف دیدن تلویزیون می‌شود،^۵ درحالی که ماده ۳۱ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، حق بازی و تفریح را برای کودک به رسمیت شناخته است. با لحاظ معیارهای بالا چنین کودکانی در بردگی به‌سر می‌برند.

به این ترتیب، مؤلفه‌های بردگی کودکان عبارت‌اند از:

۱. اعمال حقوق مالکانه بر کودک یا رفتار شیء‌گونه با کودک؛

1. ILO, Recommendation Concerning The Prohibition And Immediate Action For The Elimination Of The Worst Forms Of Child Labour Adopted By The Conference At Its Eighty-Seventh Session, Geneva, 17 June 1999, Art. 3.

2. Seth, Rajeev, Child Abuse and Neglect: Challenges and Opportunities, By Srivastava, RN and Seth, Rajeev and Niekerk, Joan van, New Delhi: Jaypee Brothers Medical Pub, 1st ed, 2013, P. 70.

3. ILO, What Is Child Labour? Available at: <http://www.ilo.org/ipecc/facts/lang--en/index.htm> (۱۳۹۵/۶/۱۲).

4. Assaad, Ragui and Levison, Deborah and Dang, Hai-Anh, "How much work is too much? Effects of child work hours on schooling – the case of Egypt", *Research in Labor Economic*, 2010, Vol. 31, p. 53.

5. Siddhanta, Suddhasil and Nandy, Debasish and Sen, Manab, Child Labor in 'Zari' Industry of Howrah District of West Bengal, Problems of Child Labour in India, New Delhi: Deep and Deep Publications, Editors: Raj Kumar Sen, Asis Dasgupta, 2003, p. 211.

۲. نداشتن وقت خصوصی برای انجام فعالیت‌های غیر کاری؛

۳. انجام بدترین اشکال کار.

مؤلفه نخست ناشی از جایگاه کودک در خانواده و نگاه دولت به آن است و دو مؤلفه بعدی با شرایط کار ارتباط دارد. در خصوص مؤلفه سوم نظام حقوقی توجه کافی به آن داشته است. ایران به کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک^۱ پیوسته است. بند ۴ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، به کارگماری کودک در اشکال بد کار را عامل سلب صلاحیت حضانت دانسته و ماده ۸۴ قانون کار حداقل سن ورود به مشاغل سخت را هجده سال قرار داده است. پس اگر کماکان کودکان در اشکال بد کار مشغول هستند، ناشی از ضعف نظام حقوقی نیست، بلکه علت را باید در امور اجرایی جست.

۲. حقوق خانواده و اعمال حقوق مالکانه بر کودک

سیرواستاو، استاد سیاست بین‌الملل، در پژوهش مفصلی علل ساختاری کار سخت کودکان در آسیا را چنین می‌داند:

۲.۱ کودک به عنوان اموال خانگی

خانواده پیش از اینکه اقدام به فرزندآوری کنند، تصمیم می‌گیرند که از فرزند به عنوان نیروی کار و عامل کسب ثروت استفاده کنند یا بر ساختن آینده‌اش تمرکز کنند؛

۲.۲ فقر

فقر در دو سطح خانوادگی و ملی می‌تواند به کار کودکان بینجامد؛

۲.۳ شکست قانون عرضه و تقاضا در بازار کار

قانون عرضه و تقاضا ایجاب می‌کند، عرضه بیشتر کار کودک به ارزان شدن آن بینجامد و ارزان شدن دستمزد کودکان منجر به کاهش عرضه کار آنان و در نتیجه افزایش دستمزد شود. در

1. Convention Concerning The Prohibition and Immediate Action for The Elimination of The Worst Forms of Child Labour, Adopted by The Conference at ILO Eighty-Seventh Session, Geneva, 17 June 1999.

عمل، چون کار کودکان ارزان‌تر از بزرگسالان است، تقاضا برای آن بالا می‌رود و در ادامه انجام کار توسط کودکان، منجر به ارزان شدن کار بزرگسالان (از جمله والدین کودکان) می‌شود و به این ترتیب برای جبران کسری درآمد خانواده، به جای این که عرضه کار کودک کم شود، مدام زیاد و زیادتر می‌شود.^۱

بنابراین، معضل بردگی و اعمال حقوق مالکانه بر آنان، یک ریشه در مناسبات خانواده و فقر خانواده دارد.^۲ پژوهش‌های اجتماعی متعددی درباره کاهش آثار فقر خانواده بر کار و تحصیل کودکان انجام شده است. مثلاً بانک جهانی در یک تحقیق موردی به تعدادی از خانواده‌های فقیر اکوادوری پول نقد داد؛ این اقدام بر ثبت نام کودکان در مدارس تأثیر مثبت و بر اشتغال کودکان تأثیر منفی گذاشت.^۳ از پژوهش‌های مشابه در مکزیکو^۴ و پاناما^۵ نتایج مشابه به دست آمده است. چنین راه کارهایی مقطعی است و تبعات آن در درازمدت روشن نیست؛ راه کار ساختاری می‌تواند اصلاح نظام حقوق خانواده باشد.

به موجب برنامه بین‌المللی حذف کار کودکان، دولت موظف است در قوانینی که زمینه تضييع حقوق کودکان را فراهم می‌کند، تجدیدنظر نماید.^۶ در حقوق ایران موادی از قانون مدنی، زمینه اعمال حقوق مالکانه والدین بر کودک را فراهم می‌کند:

(الف) اطاعت: ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی طفل را مطلقاً موظف به اطاعت از والدین خود کرده است و از کودک در برابر هیچ دستوری حمایت نمی‌کند. از جمله دستورات احتمالی والدین به کودک می‌تواند به اجاره دادن و به کارگماردن او باشد.

1. Srivastava, Jayati, Child Labour in South Asia, Are Trade Sanctions the Answer? India: CUTS, 2003, pp. 15-20.

2. Bellamy, Carol, the State of the World's Children 2005, New York: UNICEF, 2005, p. 17.

3. Schady, Norbert and Araujo, Maria Caridad, Cash Transfers, Conditions, School Enrollment, And Child Work: Evidence from a Randomized Experiment in Ecuador, Washington DC: World Bank, 2006, pp. 13-16.

4. Schultz, Paul T., "School Subsidies for the Poor: Evaluating the Mexican Progresa Poverty Program", *Journal of Development Economics*, 2004, Vol. 74, pp. 199-250.

5. Alam, Andaleeb and Baez, Javier E. and Carpio, Ximena, Does Cash for School Influence Young Women's Behavior in the Longer Term? Evidence from Pakistan, Washington D.C: World Bank, 2011.

۶. طلایی، فرهاد و همکاران، تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک، با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک، دو فصلنامه حقوق بشر، ۱۳۹۴، شماره ۱۹، ص ۱۹.

ب) تربیت: ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی چارچوبی برای والدین در مراقبت از کودک تعیین نکرده است و مثلاً والدین موظف به فرستادن کودک به مدرسه یا فراهم کردن زمینه پیشرفت کودک یا تأمین سلامت جسمانی و روانی او نشده‌اند.

ج) نفقه: برخلاف ارقام نفقه زوجه که در قانون مشخص شده است، در ماده ۱۱۹۹ میزان و ارقام نفقه کودک هیچ معیاری جز توانایی مالی نفقه‌دهنده ندارد. به علاوه در دو ماده پیش از آن کسی مستحق نفقه است که خود دارا و شاغل نباشد؛ پس به لحاظ حقوقی متصور است که کودک بخشی از هزینه‌های خود را از طریق کار کردن تأمین کند.

د) حضانت: به موجب بند ۴ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، فقط والدی صلاحیت حضانت ندارد که کودک را به مشاغل ضداخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق بگمارد. به عبارت دیگر، والدی که کودک را به اجاره دهد یا به صورت تمام وقت، وادار به کار کند، صلاحیت نگهداری از او را دارد.

از فحوی مواد قانون مدنی نه فقط ممنوعیت اعمال حقوق مالکانه بر کودک برنمی‌آید که حتی جواز آن نیز قابل استنباط است. ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ این استدلال را تقویت می‌کند: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد». گذشته از اینکه مجازات در نظر گرفته شده برای عمل ارتکاب یافته، نامتناسب است، به نظر می‌رسد قانون از کودکان در برابر دیگر حقوق مالکانه، مانند اجاره یا بهره‌کشی در سایر کارها، حمایت نمی‌کند.

۳. حقوق کار و سلب وقت خصوصی از کودک

مؤلفه دوم بردگی، یعنی نداشتن وقت خصوصی، عاملی است که بیشتر به شرایط کار و نظام حقوق کار برمی‌گردد. تقسیم‌بندی سنی کارگران در نظام حقوقی ایران بسیار ساده است. طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن کودکان زیر پانزده سال ممنوع است و کودکان یا به تعبیر

قانون کارگران نوجوان، در بازه سنی پانزده تا هجده سال از حمایت‌های ویژه قانون کار بهره‌مند هستند (مواد ۸۰ تا ۸۴ قانون).

۳.۱ چند خلأ قانون کار در حمایت از وقت خصوصی کودک:

الف) از میان مشاغلی که کودکان مشغول به آن هستند، بردگی کودکان در کارهای خیابانی جای تأمل بیشتر دارد. در این خصوص، تعریف ماده ۴ از کارگاه قابل توجه است. چون ماهیت کارگاه تابعی از کارفرماست و در خیابان که حضور فیزیکی کارفرما یا نماینده او کم‌رنگ می‌شود، موجودیت کارگاه و در نتیجه شمولیت قانون کار زیر سؤال می‌رود؛ علاوه بر این، ماده ۱۲ با طرح قابلیت تملک کارگاه این نقیصه را تشدید می‌کند، چون قابلیت تملک درباره خیابان مصداق ندارد.

ب) ماده ۷۹ کار کودکان زیر پانزده سال را ممنوع کرده و ماده ۱۷۶ قانون تخلف از این دستور را به رفع تخلف، تأدیه حقوق کارگر یا پرداخت جریمه و در صورت تکرار حبس کوتاه‌مدت محکوم کرده است. به نظر می‌رسد این قبیل ضمانت‌اجراها به دلایل زیر در مورد کودکان راهگشا نیست:

- محتوای رفع تخلف، اعاده به وضع سابق است. وقتی تخلف، گرفتن وقت خصوصی از کودک باشد، ضرر واردشده به کودک از دست دادن حق کودکی و حق بازی^۱ می‌شود. در این فرض اعاده به وضع سابق به دلیل رشد طبیعی انسان غیرممکن است و ضمانت‌اجرایی متناسب است که رو به آینده باشد و بهبود وضعیت قربانی در آینده را تضمین کند؛
- در جایی که والدین و سرپرستان قانونی کودک در به کار گمارده شدن او دخیل هستند، اولاً مجازات یا جریمه‌ای متوجه آنان نیست، ثانیاً از آنجاکه در غالب موارد کودک مجدداً تحویل والدین می‌شود، رفع تخلف دشوار می‌شود و امکان تکرار آن وجود دارد؛
- قانون، کارفرما را موظف به تأدیه حقوق کارگر کرده است ولی در جایی که کارکننده کودک باشد، تأدیه حقوق او مشمول ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی می‌شود؛ یعنی حقوق مالی

۱. ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک.

کودک باید تحویل ولی، به عنوان یکی از عوامل به کارگماری او شود و این دقیقاً نقض غرض است.

ج) قانون، کار کودکان پانزده تا هجده سال را به رسمیت شناخته و مقررات حمایتی ویژه‌ای برای آنان پیش‌بینی کرده است. نظر قالب حقوق‌دانان این است که اصل بر غیررشد بودن افراد زیر این سن است و اثبات رشد برای سن زیر هجده سال به حکم دادگاه نیاز دارد. در فرضی که فرد زیر هجده سال اقدام به گرفتن حکم رشد نکرده یا دادگاه او را رشید ندانسته است، انعقاد قرارداد کار با خود فرد و پرداخت دستمزد به او با مانع حقوقی مواجه می‌شود. اگر به کارگمارنده یا ذی‌نفع، سرپرست یا ولی کودک غیررشد باشد، با لحاظ ماده ۸۳ قانون مدنی، مسئله جدی‌تر هم می‌شود. به این ترتیب قانون، کار کردن فردی را مشروع کرده است که انعقاد قرارداد با او و پرداخت حقوق مالی به خودش الزاماً ممکن نیست. به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی، مورد از شمول قانون کار خارج می‌شود و نوبت به عقد اجاره اشخاص در قانون مدنی می‌رسد. اجاره فرد انسانی با تعریف سنتی بردگی، یعنی اعمال حقوق مالکانه بر انسان، منطبق به نظر می‌رسد.

د) ماده ۸۲ قانون کار ساعت کار کودکان پانزده تا هجده سال را روزی نیم ساعت کمتر از دیگر کارگران قرار داده که معادل بیش از چهار ساعت کار در هفته است. به نظر نمی‌رسد این مقرره برای تأمین وقت خصوصی کافی باشد؛ به‌ویژه که در این سن با وجود اینکه احتمالاً تحصیلات اجباری که تا کلاس نهم می‌باشد، پایان یافته است، ولی کودک کماکان حق استفاده از تحصیلات رایگان تا دیپلم را طبق اصل سی‌ام قانون اساسی دارد.

۳.۲ ممنوعیت مطلق کار، نفع کودک یا ضرر او؟

قانون کار ایران، به کار گماردن کودکان زیر پانزده سال را مطلقاً ممنوع کرده است و تبعاً مقرره‌ای در خصوص شرایط کار کودکان و حقوق آنان در فرض اشتغال ندارد. پیش‌بینی حداقل سن اشتغال، بدون در نظر گرفتن شرایط هر شغل و وضعیت اقتصادی هر خانواده با انتقاداتی

مواجه است؛^۱ تا جایی که تلاش‌های نظری برای انسانی کردن کار کودکان، در قالب «کار خوب کودک»^۲ به جای حذف آن، صورت گرفته است.^۳ در بعضی از پژوهش‌های سازمان بین‌المللی کار پیشنهاد شده است که از افراط و تفریط در این خصوص خودداری شود؛ یعنی نه کار کودکان در هر شغلی به صورت رؤیاپردازانه منع شود و نه فرض نظام حقوقی بر این قرار گیرد که والدین همواره مصلحت کودک را در نظر می‌گیرند.^۴ حتی ادعا می‌شود که لزوم قانونی بودن بعضی از انواع کار برای کودکان، تبدیل به اجماع بین‌المللی شده است.^۵

در میان معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است، ماده ۳۲ کنوانسیون جهانی حقوق کودک در خصوص اشتغال است. این ماده دولت را موظف به تعیین حداقل سن یا سن‌ها برای اشتغال کرده است؛ چون وقتی شرایط حاکم بر هر شغل از حیث میزان آسیبی که به فرد می‌زند، متفاوت است، حداقل سن برای ورود به آن نیز باید متفاوت باشد. قانون اساسی هند بر این اساس نوشته شده و فقط کارهای پرخطر را برای کودکان زیر چهارده سال ممنوع کرده است.^۶ در میان اسناد بین‌المللی، کنوانسیون حداقل سن اشتغال^۷ پانزده سال را الزام کرده که البته ایران به آن نپیوسته است. دلیل انتخاب پانزده سالگی، به موجب ماده ۳ کنوانسیون، عدم تعارض کار با تحصیلات اجباری است؛ چون به لحاظ تاریخی ثابت شده است که تحصیلات اجباری مناسب‌ترین ابزار دولت برای مبارزه با نقض حقوق کودک، از جمله کار او است.^۸ این معیار در ماده ۳۲ کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز پیش‌بینی شده است. بنابراین، مقرر ماده ۷۹ قانون کار که واقعیت حاکم بر جامعه را نادیده می‌گیرد، به نفع کودکان نیست و فقط با علنی‌سازی انواع

1. Mavunga, Ra. "A Critical Assessment Of The Minimum Age Convention 138 Of 1973 And The Worst Forms Of Child Labour Convention 182 Of 1999", *Potchefstroom Electronic Law Journal*, 2013, Vol. 16, No. 5, pp. 131-132.

2 Good child labour.

3 See: Failing, Marie A., "Too Cheap Work for Anybody But Us': Toward a Theory and Practice of Good Child Labor", *Rutgers Law Journal*, 2004, Vol. 35.

4. Dorman, Peter, *Child labour in the developed economies*, Geneva: ILO/IPEC, 1st ed., 2001, p. 54.

5. Szilárd, István, Baráth, Árpád, *Trafficked Person and mental health*, in: *Violence and Mental Health: Its Manifold Faces*, edited by Jutta Lindert, Itzhak Levav, Berlin: Springer, 1st ed., 2015, p. 246.

6. Padhi, P.K., *Labour and Industrial Laws*, New Delhi: PHI Learning, 2nd ed. 2012, p. 340.

7. *Convention concerning Minimum Age for Admission to Employment*, Adopted by 58th ILC session (26 Jun 1973).

8. UNICEF, *The State of the World's Children 2016: a fair chance for every child*, 2016, New York: UNICEF, p. 56.

کار کودک، از میزان حساسیت عمومی و تبعاً مسئولیت دولت در مبارزه با بردگی و دیگر اشکال مضر کار کودکان می‌کاهد.

۳.۳ وظیفه دولت در مبارزه با سلب وقت خصوصی از کودک

با توجه به اهمیت بستر فرهنگی-اجتماعی در کار کودکان، مهم‌تر از قانون، نحوه اجرای قانون و نظارت بر آن است.^۱ قانون سخت‌گیرانه ممکن است به نقض غرض بینجامد. مثلاً نتایج یک پژوهش در غنا نشان داد که راه‌کار مقابله با کار کودکان در مزارع، ممنوع کردن آن نیست، چون در این صورت کودکان به مدرسه بر نمی‌گردند، بلکه جذب کارهای خارج از مزرعه می‌شوند و نهایتاً فقط نوع کار آنان فرق می‌کند. راه‌کار مناسب افزایش قیمت محصولات کشاورزی است تا خانواده‌ها کودکان را از فهرست اقلام درآمدزای خود خارج کنند.^۲

به دلیل پراکندگی کارگاه‌ها دسترسی به کودکان در محل کار دشوار است، ولی بر عکس یافتن آنها از طریق مدرسه آسان است؛ چون نداشتن وقت برای مدرسه نشانه نداشتن وقت خصوصی است. در مدرسه دولت می‌تواند مفاهیمی مانند حق کار نکردن، حقوق کار، سلامت و ایمنی محیط کار، چگونگی جبران خسارات ناشی از کار و ... را به کودکان آموزش دهد و آنها را برای ورود به بازار کار آماده سازد. به علاوه دولت از طریق مدرسه می‌تواند کودکان در معرض آسیب یا آسیب‌دیده را شناسایی کند و با تغییر شرایط، وضعیتشان را بهبود بخشد.

استثنای بزرگ رعایت حقوق کودکان، کار خانوادگی است. طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، اصل بر این است که کارگاه‌های خانوادگی از شمول مقررات قانون کار استثنای باشند، مگر اینکه خلاف آن در قانون تصریح شده باشد؛ در نتیجه سن و شرایط کار در این کارگاه‌ها، مشمول قانون کار نیست. بنابراین ممکن است کودکان زیر هجده سال به صورت تمام‌وقت یا در بدترین اشکال کار در کارگاه خانوادگی به کار گرفته شوند. کارگاه خانوادگی از یک طرف از مصادیق حریم خصوصی، یعنی خانواده و احتمالاً خانه، است و از حیث کیفیت و کمیت نظارت متفاوت از دیگر

1. Pattnaik, Malvika and Kar, Ajit Kumar, "Child Labor, Government Initiatives and Compulsory formal education: an introspection of success and failures", *International Journal for Research in Social Science and Humanities Research*, 2015, Vol. 1, p. 70.

2. Koomson, Isaac and Asongu Simplice A., "Relative Contribution of Child Labour to Household Farm and Non-Farm Income in Ghana: Simulation with Child's Education", *African Development Review*, 2016, Vol. 28, No. 1, p. 113.

کارگاه‌ها می‌شود. از طرف دیگر، از آنجا که احتمال به‌کارگرفته شدن کودکان، حتی به صورت تمام‌وقت در حریم خانواده وجود دارد، نظام حقوقی نمی‌تواند فرض را بر این بگذارد که مصلحت کودک رعایت می‌شود. برای حل این تناقض، یک راه کار می‌تواند این باشد که به جای اینکه دولت وارد حریم خصوصی خانواده شود و مستقیماً بر آن نظارت کند، به کودک آموزش دهد که از حقوق و سلامت خود دفاع کند.^۱ این پیشنهاد کاربرد حقوقی ندارد، چون اساساً کودک از میزانی از اراده حقوقی برخوردار نیست که بتواند هم حق خود را بشناسد، هم آن را اعمال کند و هم از خود در برابر نقض حق دفاع کند. راه کار حقوقی این است، در جایی که فرض نقض حقوق بشر (اعم از حقوق زنان و کودکان) مطرح است، خانه و خانواده از مصادیق حریم خصوصی نباشد و با کار کودکان در محیط خانه، مانند دیگر کارگاه‌ها، برخورد شود تا حقوق بشر تبدیل به ابزار نقض خود نشود. کار خصوصی در ظاهر امری خصوصی، ولی در واقع آفریده حقوق عمومی است و برای تأمین اهداف عمومی ایجاد شده است؛ اهدافی که طیفی از امرار معاش روزانه تا ارتقای آزادی فردی و تحکیم سیاست‌های دموکراتیک را دربرمی‌گیرد^۲ و غیرحقوقی شدن آن، به نام حریم، توجیه ندارد.

۳.۴ وظیفه بخش خصوصی و جامعه مدنی در برابر بردگی کودکان

مخاطب ماده ۷۹ قانون کار علاوه بر دولت، کارفرمایان خصوصی هستند؛ به عبارت دیگر این مقرر انجام یک تعهد منفی یا ترک فعل را بر عهده کارفرمایان گذاشته است؛ تعهدی که به تنهایی منجر به نابودی کار کودکان به عنوان واقعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی نمی‌شود. برای حل این مسئله می‌توان برای بخش خصوصی قائل به تعهد مثبت شد. تعهد مثبت به پاسخگویی در برابر تأثیراتی که بر محیط اجتماعی فعالیت خود می‌گذارند.^۳ از این طریق، اساساً درخواست برای کار کودکان از میان می‌رود. چنین تغییری را می‌توان از طریق ضمانت‌اجراه‌های ابتکاری برای قوانین ایجاد کرد. مثلاً در قانون کار ضمانت‌اجراهی به‌کارگیری کودکان زیر پانزده سال جرمه نقدی یا حبس کوتاه‌مدت است که می‌توان آن را به تأمین هزینه‌های تحصیل

1 Dorman, Op. cit, p. 56.

2. Zatz, Noah, "a New Peonage?: Pay, Work, or Go to Jail In Contemporary Child Support Enforcement and Beyond", *Seattle University Law Review*, 2016, Vol. 39, No. 4, p. 954.

3 Deva, Surya, "Child Labour: Should Companies 'Stand at Bay' or 'Enter the Water'", *Journal of Indian Law Institute*, 2014, Vol. 56, No. 2, P. 173.

کودک توسط کارفرمای خاطی یا الزام وی در به کارگماردن یکی از والدین کودک به جای کودک، تغییر داد. به این ترتیب، علاوه بر تحقق پاسخگویی، بخش خصوصی نیز در حل مشکلات جامعه سهیم می‌شود.

سازمان بین‌المللی کار در ۲۰۰۶ در بند ۱ و ۲ آخرین اصلاحیه اعلامیه سه‌جانبه اصول مربوط به شرکت‌های چندملیتی و سیاست اجتماعی بخش خصوصی را بدون واسطه دولت‌ها در برابر توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، حقوق بشر و... در محیط فعالیتش مسئول تلقی می‌کند و برایش سهم مثبت در رسیدن به اهداف توسعه هزاره قائل می‌شود. این سند بخش خصوصی را موظف کرده است که علاوه بر اینکه به حداقل سن اشتغال احترام بگذارند، باید اقدامات فوری و مؤثر به منظور حذف بدترین اشکال کودکان را در دستور کار خود قرار دهند.^۱ اصطلاح اقدامات فوری و مؤثر فراتر از احترام صرف به یک قاعده حقوقی و مستلزم تعهد مثبت به انجام آن است. نمونه دیگر راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای شرکت‌های چندملیتی است که در آن شرکت‌ها موظف به اقدامات مؤثر و فوری برای حذف بدترین اشکال کار کودکان شده‌اند. از جمله راه‌کارهای پیشنهادی آن، بالا بردن استانداردهای آموزش و پرورش در کشور میزبان است.^۲

نظارت در پاسداری از حقوق کودک نقش محوری ایفا می‌کند. برای جریان صحیح نظارت در میان کارگران بزرگسال، فعالیت و گسترش سندیکاهای کارگری سازوکار مناسبی است. ولی درباره کودکان، این راه‌حل امکان ندارد. در مقام پیشنهاد، دو راه‌کار جایگزین می‌توان ارائه داد: ۱- جدی تلقی کردن مشارکت و گزارش‌های خود کودکان.^۳ تا زمانی که نظام حقوقی اظهارات کودک را کم‌ارزش تلقی می‌کند، راه افتادن سازوکار نظارت همه‌جانبه دشوار خواهد بود؛ ۲- به‌کارگیری ظرفیت نهادهای مدنی، به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی پاسدار حقوق کودکان.^۴ سازمان‌های غیردولتی علاوه بر رصد و گزارش وضعیت کودکان کار می‌توانند در ارائه تصویری دقیق از کودکان به دولت برای تصویب و اصلاح قوانین، مؤثر باشند.^۵ از حیث استفاده از ظرفیت

1. International Labour Office Geneva, Tripartite Declaration of Principles Concerning Multinational Enterprises and Social Policy, 2006, Para. 36.

2. OECD, OECD Guidelines for Multinational Enterprises, OECD Publishing, 2011, Para. 52.

3. IPU and UNICEF, Combating Child Trafficking: Handbook for Parliamentarians, New York and Geneva: and UNICEF, 2005, P. 51.

4. Boersma, Martijn and Lynch, Gabrielle, Child Labour - Everybody's Business: a Report, Sydney: Catalyst Australia, 1st ed, 2014, p. 6.

5. Ibid, p. 10.

نظارتی نهادهای مدنی ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره نخست آن تغییر مثبتی در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود.

باید توجه داشت که در حال حاضر از معضلات مبارزه با کار کودکان، تعدد نهادهای صالح است. به موجب آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴، یازده نهاد دولتی (از توابع قوای سه‌گانه تا مؤسسات عمومی غیردولتی) به علاوه نهادهای مدنی در این امر دخیل هستند. هماهنگ شدن این نهادها دشوار و زمان‌بر است. به علاوه کودکان، شهروندان کشور هستند و دولت در برابر آنها مسئولیت دارد. از تلویح بند «د» ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، چنین استنباط می‌شود که سامان‌دهی کودکان کار از جمله وظایف حاکمیتی دولت و غیرقابل برون‌سپاری است. به این ترتیب، وظیفه جامعه مدنی محدود به نظارت و پیگیری است و وارد حوزه امور اجرایی نمی‌شود.

نتیجه گیری

بردگی در دوران کنونی با سه ویژگی قابل شناسایی است: اعمال حقوق مالکانه بر فرد انسانی، نداشتن وقت خصوصی و انجام بدترین اشکال کار. مستند به تحقیقات میدانی موجود، در ایران کودکانی در هر سه وضعیت قابل شناسایی هستند. دولت ایران به کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک، پیوسته است. قانون مدنی و قانون کار و قوانین پراکنده دیگر از کودکان در برابر بدترین اشکال کار حمایت می‌کنند. ولی در خصوص دو مؤلفه دیگر چنین نیست. قواعدی در قانون مدنی وجود دارد که موجودیت حقوقی کودک را از شهروند به عضو خانواده فرومی‌کاهد، رابطه حقوقی او را با دولت می‌گسلد و موجودیت عمومی او را به والدین، به عنوان یک حلقه واسطه، محدود می‌کند. به این ترتیب، زمینه حقوقی اعمال حقوق مالکانه بر کودک و بردگی او فراهم می‌شود. از قانون مدنی نه فقط ممنوعیت کار کودکان (صرف نظر از سن) استنباط نمی‌شود که حتی جواز ضمنی آن نیز قابل برداشت است. راه کار رفع این نقص اولاً به رسمیت شناختن کودک به عنوان شهروند و ثانیاً قائل شدن منزلت و جایگاه حقوقی مستقل برای کودک است.

حقوق کار بر خلاف حقوق خانواده که کار کودکان را قانونی می‌داند، کار کودکان زیر پانزده سال را ممنوع و کار کودکان پانزده تا هجده سال را محدود کرده است. ممنوعیت کار کودکان با واقعیت‌های اقتصادی و فرهنگی حاکم بر کشور سازگار نیست و جالب اینکه نظام حقوق بین‌الملل نیز اصراری بر آن ندارد. قانون‌نویسی مسئولانه و معطوف به اجرا می‌تواند به دقت سن ورود به هر کار و حقوق کودک در آن را به صورت موردی مشخص کند. فقط به این ترتیب است که کار تمام‌وقت و برده‌وار کودکان در چهارراه‌ها یا کوره‌های آجرپزی با کار سبک در رستوران در یک سطح قرار نمی‌گیرد و هر دو صرفاً «ممنوع» ارزیابی نمی‌شوند.

مبارزه با به بردگی کشیدن کودکان، مستلزم این است که کل نظام حقوقی و درک آن از عدالت دوستدار کودک باشد؛ به عبارت دیگر، تمام ارکان نظام حقوقی به شکل هماهنگ باید دغدغه کودکان را داشته باشد. از این طریق دولت می‌تواند وضعیت تمام کودکان را به‌ویژه از حیث خشونت، سوءاستفاده و بهره‌کشی در تمام ابعاد زندگی رصد کند. مثلاً تعریف کودک در قوانین کیفری، مدنی، کار، خانواده و ... باید یکسان باشد، جرایم علیه کودکان در شاخه‌های

مختلف به دقت تعریف شود و مجازات متناسب با وضعیت کودک برای خاطیان پیش‌بینی گردد و علاوه بر ضمانت‌اجراهای معمول حقوقی نهادهای اجرایی قدرتمند به منظور نظارت بر اجرای دقیق قوانین ایجاد شود. مبارزه با کار کودکان و بردگی کودکان، برخلاف بسیاری از حوزه‌ها نیاز به تمرکزگرایی دارد و لازم است مشارکت نهادهای مدنی به نظارت، گزارش و پیگیری، محدود باشد و امور اجرایی در صلاحیت انحصاری دولت قرار گیرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. افشانی، علی‌رضا و همکاران، **تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان**، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۱، شماره ۴۸.
۲. بدخشان، عصمت، **کودکان کار، پشت چراغ قرمز زندگی**، روزنامه اتفایه، ۱۳۹۶/۱۱/۲۴، شماره ۱۸۶۰.
۳. تولایی، حسین و همکاران، **رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸، شماره ۳۵.
۴. جمال‌پور، فاطمه، **۱۷ درصد کودکان خیابانی الکل مصرف می‌کنند**، روزنامه شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۱۴، شماره ۲۲۰۲.
۵. جمال‌پور، فاطمه، **وقایع نگاری خرید و فروش یک نوزاد در پایتخت، کمتر از پنج دقیقه معامله شد**، روزنامه ایران، ۹۴/۹/۸، شماره ۶۰۹۰.
۶. جودکی، مهتاب، **ثابت می‌کنیم که به ۹۰ درصد کودکان کار تجاوز می‌شود**، روزنامه شهروند، ۱۳۹۶/۸/۱۴، شماره ۱۲۶۵.
۷. سربایان، سهیل، **بازار بچه فروشان، خرید و فروش کودکان کار از صد هزار تا پنج میلیون تومان**، روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹، شماره ۲۹۰۱.
۸. طلایی، فرهاد و همکاران، **تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک، با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک**، دو فصلنامه حقوق بشر، ۱۳۹۴، شماره ۱۹.
۹. وامقی، مروّنه و همکاران، **ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران ۱۳۹۲ (علل و خطرات کار کودکان در خیابان)**، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۴، شماره ۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

10. Alam, Andaleeb and Baez, Javier E. and Carpio, Ximena, **Does Cash for School Influence Young Women's Behavior in the Longer Term? Evidence from Pakistan**, Washington D.C: World Bank, 2011.
11. Arendt, Hannah, **the Human Condition**, Chicago: University of Chicago Press, 2nd ed. 1998.
12. Bellamy, Carol, **the State of the World's Children 2005**, New York: UNICEF, 2005.
13. Boersma, Martijn and Lynch, Gabrielle, **Child Labour - Everybody's Business: a Report**, Sydney: Catalyst Australia, 1st ed, 2014.

14. Cox, Caroline, **This Immoral Trade: Slavery in the 21st Century**; Oxford: monarchs book, Updated and extended edition, 1st ed. 2006.
15. Crew, Spencer R. and, Bunch, Lonnie and Price, Clement. (Editors), **Slave Culture: A Documentary Collection of the Slave Narratives from the Federal Writers' Project**, Vol. III, California: Greenwood, 1st ed. 2014.
16. Dorman, Peter, **Child labour in the developed economies**, Geneva: ILO/IPEC, 1st ed, 2001.
17. ILO, **ILO Global Estimate of Forced Labour, Results and methodology** (FactSheet), Geneva: International Labour Office, 2012.
18. IPU and UNICEF, **Combating Child Trafficking: Handbook for Parliamentarians**, New York and Geneva: and UNICEF, 2005.
19. Montfort, Louise, **Secret of Mary**, Charlotte: Tan Book, 1994.
20. Padhi, P.K., **Labour and Industrial Laws**, New Delhi: PHI Learning, 2nd ed. 2012.
21. Schady, Norbert and Araujo, Maria Caridad, **Cash Transfers, Conditions, School Enrollment, and Child Work: Evidence from a Randomized Experiment in Ecuador**, Washington DC: World Bank, 2006.
22. Seth, Rajeev, **Child Abuse and Neglect: Challenges and Opportunities**, By Srivastava, RN and Seth, Rajeev and Niekerk, Joan van, New Delhi: Jaypee Brothers Medical Pub, 1st ed, 2013.
23. Siddhanta, Suddhasil and Nandy, Debasish and Sen, Manab, **Child Labor in 'Zari' Industry of Howrah District of West Bengal, Problems of Child Labour in India**, New Delhi: Deep and Deep Publications, 2003.
24. Srivastava, Jayati, **Child Labour in South Asia, Are Trade Sanctions the Answer?** India: CUTS, 2003.
25. Szilárd, István, Baráth, Árpád, Trafficked Person and mental health, in: Violence and Mental Health: Its Manifold Faces, edited by Jutta Lindert, Itzhak Levav, Berlin: Springer, 1st ed., 2015.
26. UNICEF, **The State of the World's Children 2016: a fair chance for every child**, 2016, New York: UNICEF.

Articles

27. Assaad, Ragui and Levison, Deborah and Dang, Hai-Anh, "How much work is too much? Effects of child work hours on schooling – the case of Egypt", *Research in Labor Economic*, 2010, Vol. 31.
28. Barman, Jiten, Roy, Chandan, "Child Labour & Inclusive Education in Backward Districts of India", *International Journal of Education*, 2012, Vol. 4, No. 4.
29. Chinthia, Sam sundar, George, Babu, "Globalization, Mobility, Identity, and Consumerism: an Analysis of the Genesis of Unsustainable Consumption", *Palermo Business Review*, 2012, issue 6.
30. Cigno, Alessandro and other, "Does Globalisation Increase Child Labor?" IZA Discussion, 2002, No. 470.
31. Deva, Surya, "Child Labour: Should Companies 'Stand at Bay' or 'Enter the Water'", *journal of Indian law institute*, 2014, Vol. 56T No. 2.

32. Failinger, Marie A., "Too Cheap Work for Anybody But Us': Toward a Theory and Practice of Good Child Labor", *Rutgers Law Journal*, 2004, Vol. 35.
33. ILO, "What Is Child Labour?" Available at: <http://www.ilo.org/ipecc/facts/lang-en/index.htm> (۱۳۹۵/۶/۱۲)
34. Koomson, Isaac and Asongu Simplicie A., "Relative Contribution of Child Labour to Household Farm and Non-Farm Income in Ghana: Simulation with Child's Education", *African Development Review*, 2016, Vol. 28, No. 1.
35. Mavunga, Ra. "A Critical Assessment Of The Minimum Age Convention 138 Of 1973 And The Worst Forms Of Child Labour Convention 182 Of 1999", *Potchefstroom Electronic Law Journal*, 2013, Vol. 16, No. 5.
36. OECD, OECD Guidelines for Multinational Enterprises, OECD Publishing, 2011.
37. Paoli, Anna and Mendola, Mariapia, "International Migration and Child labour in Developing Countries", *IZA DP* 2014, No. 8066.
38. Pattnaik, Malvika and Kar, Ajit Kumar, "Child Labor, Government Initiatives and Compulsory formal education: an introspection of success and failures", *International Journal for Research in Social Science and Humanities Research*, 2015, Vol. 1.
39. Schultz, Paul T., "School Subsidies for the Poor: Evaluating the Mexican Progresa Poverty Program", *Journal of Development Economics*, 2004, Vol. 74.
40. Westermann, William Linn, "Between Slavery and Freedom, American Historical Review", 1945, Vol. L, no. 2.
41. Zatz, Noah, "a New Peonage?: Pay, Work, or Go to Jail In Contemporary Child Support Enforcement and Beyond", *Seattle University Law Review*, 2016, Vol. 39, No. 4.

Documents

42. **Convention Concerning Minimum Age for Admission to Employment**, Adopted by 58th ILC session (26 Jun 1973).
43. **Convention Concerning The Prohibition and Immediate Action for The Elimination of The Worst Forms of Child Labour**, Adopted by The Conference at ILO Eighty-Seventh Session, Geneva, 17 June 1999.
44. **Human Rights Council Resolution 6/14. Special Reporter on contemporary forms of slavery**, 21st meeting 28 September 2007.
45. **ILO, Recommendation Concerning The Prohibition And Immediate Action For The Elimination Of The Worst Forms Of Child Labour** Adopted By The Conference at Its Eighty-Seventh Session, Geneva, 17 June 1999.
46. International Labour Office Geneva, **Tripartite Declaration of Principles Concerning Multinational Enterprises and Social Policy**, 2006.
47. **Rome Statute of the International Criminal Court**, Adopted by the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court on 17 July 1998.
48. **Slavery Convention**, Adopted by League of Nations, Genova, 1926.
49. **Supplementary Convention on the Abolition of Slavery, the Slave Trade, and Institutions and Practices Similar to Slavery**, Adopted by a Conference of Plenipotentiaries convened by Economic and Social Council resolution, 1956.